




Qualitative Interpretation of the Meaning of Mobile Phones in the Life of Female Students of the University of Isfahan

- Reza Hemmati**  * | Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran
- Ehsan Aghababaei**  | Department of Social Tolerance, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Iran
- Faegheh Esmaeeli**  | Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Abstract

Communication technologies have become an integral part of life today. Among these, mobile phones have had a significant impact on the personal and social lives of young people, especially university students. The purpose of this study is to describe the meaning of mobile from the perspective of users' experiences based on an interpretive research method. Participants in this study were 15 female students of the University of Isfahan who were selected for an interview through purposive sampling. Based on the analysis of the interviews, two main categories (reciprocal subjectivity and mobile paradox) and five sub-categories (mobile identification, the birth of virtual-self, non-mobile phobia, creating opportunities, and constraining opportunities) were identified in students' experiences of mobile. Findings showed that the understandings of female students of mobile are more than just a means of communication. By establishing two-way communication with mobile, users use its facilities to redefine their identity in cyberspace and sometimes prefer virtual identity over their real self. The attractiveness of mobile and its overuse, in addition to creating dependence on mobile, has made this device a substitute for face-to-face communication. Meanwhile, users tried to justify their dependence by giving a personality to the mobile phone and having a human-like definition of it in their minds. Finally, from the perspective of students' experiences, mobile, in addition to creating various opportunities and capacities, also has many negative implications. These contradictions have caused a dual and paradoxical image of mobile in the minds of users.

Keywords: Smartphone, Instagram, Virtual Social Networks, Interpretive Research Methods, Mutual Subjectivity, Mobile Paradox.

* Corresponding Author: rhemati@gmail.com

How to Cite: Hemmati, R., Aghababaei, E., Esmaeeli, F. (2022). Qualitative Interpretation of the Meaning of Mobile Phones in the Life of Female Students of the University of Isfahan, *Journal of New Media Studies*, 8(31), 173-209.

تحلیل تفسیری معنای تلفن همراه در زندگی دانشجویان دختر دانشگاه اصفهان

رضا همّتی * دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

احسان آقابابایی استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

فائقه اسماعیلی کارشناسی ارشد مطالعات راهبردی فرهنگ، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

فناوری‌های ارتباطی به بخش جدایی‌ناپذیری از زندگی در عصر حاضر تبدیل شده‌اند. در میان این، موبایل (تلفن همراه هوشمند) تأثیرات مهمی بر زندگی فردی و اجتماعی جوانان به‌ویژه دانشجویان گذاشته است. هدف از پژوهش حاضر با اتخاذ رویکرد کیفی توصیف معنای کاربران از موبایل بر اساس تجربه استفاده از این وسیله است. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش ۱۵ نفر از دانشجویان دختر دانشگاه اصفهان بودند که از طریق نمونه‌گیری هدفمند برای مصاحبه انتخاب شدند. بر اساس تحلیل مصاحبه‌ها، دو مقوله اصلی «سوژگی متقابل» و «پارادوکس موبایل» و پنج مقوله فرعی «تشخص بخشی به موبایل»، «شکل‌گیری خود مجازی»، «بی‌موبایل‌هراسی»، «فرصت‌سازی موبایل» و «فرصت‌سوزی موبایل» در ارتباط با تجارب دانشجویان از موبایل شناسایی شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد که تلقی و فهم دانشجویان دختر از موبایل به واسطه گسترش شبکه‌های اجتماعی مجازی نظیر اینستاگرام فراتر از یک وسیله صرفاً ارتباطی است. کاربران با برقراری ارتباطی دوسویه با موبایل از امکانات آن برای بازتعریف هویت خود در فضای مجازی استفاده کرده و گاهی هویت مجازی را بر خود واقعی‌شان ترجیح می‌دهند. جذابیت‌های و استفاده افراط گونه از آن علاوه بر ایجاد وابستگی موجب شده تا این وسیله جانشین ارتباطات چهره به چهره شود. در این بین کاربران با شخصیت دادن به موبایل و ارائه تعریفی انسان‌گونه از آن در ذهن خود سعی در توجیه این وابستگی داشتند. در نهایت از منظر تجارب دانشجویان، موبایل و شبکه‌های اجتماعی ذیل آن نظیر اینستاگرام علاوه بر ایجاد فرصت‌ها و ظرفیت‌های گوناگون، دلالت‌های منفی زیادی را نیز به همراه دارد، این تناقضات باعث شده تا تصویری دوگانه و پارادوکسیکال از موبایل در ذهن کاربران نقش ببندد.

کلیدواژه‌ها: موبایل، تلفن همراه هوشمند، اینستاگرام، شبکه‌های اجتماعی مجازی، روش تحقیق تفسیری، سوژگی متقابل، پارادوکس موبایل.

* نویسنده مسئول: rhemati@gmail.com

مقدمه

در جهان امروز ورود موبایل به عرصه زندگی بشر، تحولات و تأثیرات فراوانی را بر نحوه ارتباطات داشته است. موبایل با ورود به زندگی انسان‌ها مرزهای جغرافیایی را یکی پس از دیگری درنوردیده و مفهوم دهکده جهانی را رنگی تازه بخشیده است. مطالعه نحوه ورود موبایل به زندگی انسان‌ها نشان‌دهنده این واقعیت است که تا این زمان هیچ فناوری نتوانسته است به این سرعت رشد فراگیر داشته باشد، به نحوی که تمامی اقشار جامعه از آن استقبال و استفاده کنند. در طی یک دوره ده‌ساله افزایش تلفن همراه در بین مردم در مقایسه با سایر سیستم‌های مخابراتی مانند تلفن ثابت و اینترنت سه برابر بیشتر شده است. تلفن همراه در ابتدا به‌عنوان وسیله‌ای با قابلیت جابه‌جایی وارد جامعه شد و پس از مدت کوتاهی شیوه ارتباط انسان‌ها با یکدیگر را دگرگون کرد. پژوهش‌های انجام گرفته درباره تلفن همراه نشان می‌دهد که استفاده اجتماعی در دلایل اولیه پذیرش این فناوری وجود نداشته است. در واقع کسب و کار و امنیت، دلایل نخستین پذیرش این وسیله بوده‌اند، اما پس از مدت کوتاهی، به استفاده عمده کاربران تبدیل شده است (ذکایی و ولی زاده، ۱۳۸۸؛ Bellina and Missoni, 2009).

در دهه اخیر با اتصال موبایل به اینترنت و پدید آمدن موبایل‌های هوشمند، گستره کاربردهای موبایل به شدت افزایش یافته است. این فناوری جذاب در مقایسه با فناوری‌های دیگر مانند تلفن ثابت، لپ‌تاپ و تلفن ماشین، تجسم فرهنگی یافته و به صورت وسیع وارد حیطه‌های مختلف زندگی انسان شده به گونه‌ای که موبایل به ابزاری ضروری برای زندگی مدرن تبدیل شده است. بدین معنا که نمی‌توان عرصه ارتباطات موبایلی را جدا از دیگر عرصه‌های رسانه‌ای مورد مطالعه و پژوهش قرارداد، چرا که مرزهای جداکننده رسانه‌های مدرن روزبه‌روز کمرنگ‌تر شده است (Fortunati, Goggin & Crawford, 2012). کاربران با نصب نرم‌افزارهای مختلف نظیر تلگرام، وایبر، اینستاگرام و غیره نوعی از ارتباط را تجربه می‌کنند که فارغ از زمان و مکان امکان‌پذیر است. ارتباطی که در تمام لحظات زندگی جاری است و تغییرات قابل تأملی بر زندگی واقعی افراد برجای می‌گذارد.

چنین کاربرد گسترده‌ای باعث شد تا فهم و درک انسان‌ها از خودشان، از محیط فیزیکی و از نحوه ساختن دنیای پیرامون در یک فرایند جمعی و گروهی تغییر یابد. به عبارت دیگر از لحظه‌ای که فرد با تلفن همراهش شروع به مکالمه و برقراری ارتباط می‌کند یک فضای مجازی برای خود خلق می‌کند که این فضا می‌تواند هویت اجتماعی انسان، شخصیت و چگونگی تأثیر این هویت بر رفتار را تحت تأثیر قرار دهد (Trouch, 2004).

در بین استفاده‌کنندگان از تلفن همراه هوشمند، دانشجویان دختر اهمیت زیادی دارند، زیرا که بخشی از جامعه‌پذیری در این دوره شکل گرفته و قوام می‌یابد. معمولاً دانشجویان در پذیرش فناوری‌های جدید نسبت به دیگر اقشار جامعه گشودگی بیشتری دارند. استفاده مکرر از پیام کوتاه، تماس‌های تلفنی زیاد و سرگرمی با بازی‌های تلفن همراه، جستجو و بازدید و عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی بخشی از فرهنگ تلفن همراه دانشجویان است. استفاده از تلفن همراه باعث ایجاد ارتباطات جدید و استمرار روابط قبلی بین آن‌ها می‌شود. دانشجویان از تلفن همراه برای برقراری تماس‌های کلامی یا متنی به عنوان ابزارهای اصلی جهت سازمان‌دهی ملاقات روزمره و فعالیت‌هایشان استفاده می‌کنند. شخصی‌سازی تلفن‌های همراه توسط زنگ‌های و محافظ صفحه‌نمایش، مصرف تظاهری تلفن همراه، کسب پایگاه اجتماعی، داشتن احساس امنیت موبایلی و مدیریت ایمنی در شرایط اضطراری از جمله این کاربردها است (Pain et al., 2005). در نتیجه استفاده از تلفن همراه راه‌های شگرفی را برای برقراری ارتباط بین همکاران، اعضای خانواده و گروه‌های همسال فراهم کرده و نقش مؤثری در شکل‌دهی به هویت، علایق و عادات رفتاری جوانان دارد.

علاوه بر مزایای حاصل از استفاده از تلفن همراه برخی به پیامدهای مشکل‌ساز آن نیز اشاره کرده‌اند. مقادیر بالای بدهی ناشی از استفاده بیش‌ازحد از تلفن همراه باعث شده برخی از جوانان برای پرداخت قبض دست به سرقت بزنند. استفاده از تلفن هنگام رانندگی منجر به افزایش تصادف شده و یا استفاده نابجا از آن موجب اختلال در کلاس‌های درس

تحلیل تفسیری معنای تلفن همراه در زندگی دانشجویان دختر...؛ همتی و همکاران | ۱۷۷

و محیط‌های اجتماعی می‌شود. تحقیقات نشان داده است که جوانان همان اهدافی (مانند تأیید اجتماعی و پذیرش از سوی همتایانشان) را که از انجام دادن برخی رفتارهای پرخطر نظیر سیگار کشیدن در نظر دارند، اکنون با استفاده نادرست و یا اعتیادآور از تلفن همراه دنبال می‌کنند (Walsh et al, 2009). به‌طور کلی استرس عاطفی، هزینه‌های مالی، افت تحصیلی و آسیب دیدن روابط، فعالیت‌های مجرمانه مانند درگیری، سرقت، استفاده از الکل و استفاده از مواد مخدر و استفاده از تلفن همراه در مکان‌هایی مانند بیمارستان، کلاس درس برخی از پیامدهای منفی استفاده از تلفن همراه است (Ahmed & Qazi, 2011).

با این حال باید توجه داشت که دانشجویان دختر گروه همگن یا دارای هویت ثابت نیستند. بلکه آن‌ها روابط و تعاملات پیچیده‌ای با همسالان، خانواده، نهادها، فضاها/مکان‌ها و فناوری‌ها دارند و همه این‌ها در شکل‌دهی به هویت‌های اجتماعی آن‌ها تأثیر دارند. همچنین عادات ارتباطی آن‌ها به‌هیچ‌وجه متجانس نیست چراکه سبک زندگی‌ها و شیوه‌های زندگی متفاوت آن‌ها به استفاده از تلفن همراه شکل می‌دهد. مراحل زندگی متفاوت جوانان نیز در نحوه استفاده از تلفن همراه تأثیر دارد چراکه با افزایش سن، الگوهای ارتباطی آن‌ها نیز تغییر می‌کند و فرایند کسب استقلال موجب ایجاد تغییراتی در ارتباطات آن‌ها می‌شود (کوثری، جوادی یگانه، خیرخواه، ۱۳۹۱؛ Singleton and Green, 2007). درنهایت، پژوهش‌های مختلف مؤید وجود تفاوت‌های جنسیتی در الگوهای استفاده و کاربری از تلفن همراه در بین جوانان است (Igbal, 2010; Geser, 2004). مطالعه نحوه استفاده از تلفن همراه از منظر دانشجویان دختر می‌تواند درک ما را از ذهنیت، افکار و مواجهه فردی و اجتماعی آن‌ها و همچنین جایگاه و کارکردهای این فناوری در زندگی روزمره آن‌ها را ارتقا دهد. پژوهش حاضر درصدد است تجربه دانشجویان دختر از تلفن همراه را در زندگی روزمره‌شان مورد واکاوی قرار دهد.

مرور پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه و ادبیات موجود نشان می‌دهد که پژوهش‌های مختلفی با استفاده از

روش‌های کمی یا کیفی در داخل کشور در مورد ماهیت، الگوی استفاده، علل و انگیزه‌های استفاده، میزان استفاده، نوع استفاده و دلالت‌ها و پیامدهای فردی یا اجتماعی مصرف تلفن همراه هوشمند صورت گرفته است. از جمله پژوهش‌های کمی می‌توان به موسوی (۱۳۹۰)، کوثری، جوادی یگانه و خیرخواه (۱۳۹۱)، جوادی یگانه، کوثری، خیرخواه (۱۳۹۱)، مهدی زاده و خیلا (۱۳۹۲)، هاشمی (۱۳۹۳) و بهمنی و شککیا (۱۳۹۴)، صحبایی و همکاران (۱۳۹۵) اشاره کرد. پژوهش کوثری و خیرخواه (۱۳۸۷) نیز با استفاده از روش تحلیل محتوای کمی پیام‌های کوتاه دانشجویان را بررسی کرده است. ابراهیم پور (۱۳۹۳) با استفاده از تحلیل گفتمان به مطالعه و تحلیل گروه‌های شکل گرفته در وایبر (نرم‌افزار موبایلی) و پیام‌های ردوبدل شده در فضای وایبر پرداخته و از مدخل تحلیل پیام‌ها، واقعیت‌هایی که در حال شکل‌گیری و انتقال هستند را بررسی کرد. فرقانی و بدیعی (۱۳۹۴) نیز بر مبنای رویکرد کیفی و مصاحبه‌های نیمه ساختمند در صدد فهم عمیق فرایند اهلی سازی فناوری رسانه‌ای در بستر زندگی روزمره بودند. مصرف اطلاعاتی، مصرف موقعیتی، مصرف ارتباطی، انطباق فناورانه، استقلال فردی، تسلط بر مصرف فناوری از جمله مقولاتی بودند که محققان در فرایند اهلی سازی تلفن هوشمند به دست آورند. مختاری و ملک احمدی (۱۳۹۶) با استفاده از روش پدیدارشناسی تجربه‌های کاربران از موبایلی شدن روابط را تحلیل کردند. ذکایی و نزاکتی (۱۳۹۷) نیز تلاش کردند با استفاده از نظریه زمینه‌ای، سبک زندگی موبیتال دانشجویان را بررسی کنند.

پژوهش‌های خارجی مختلفی نیز در زمینه تلفن همراه هوشمند صورت گرفته است. برای مثال آکسمن و تورشیانن^۱ (۲۰۰۴)، والش و دیگران (۲۰۰۹) به کشف چرایی و چگونگی وارد شدن تلفن همراه به زندگی روزمره، نحوه ادغام آن با جریان زندگی و هم‌چنین فهم هنجارهای اجتماعی استفاده از آن پرداخته‌اند. چوما^۲ (۲۰۱۴) به بررسی معنای تلفن همراه در میان دانشجویان آفریقایی دانشگاه کیپ‌تاون پرداخت. هم‌چنین میزرا و دیگران (۲۰۱۴) با استفاده از روش آزمایش میدانی و دراگو^۳ (۲۰۱۵) با استفاده از

1. Oksman and Turtiainen

2. Chuma, W

3. Drago, E

رویکرد ترکیبی تلاش کردند اثرات ارتباطات موبایلی بر کیفیت تعاملات اجتماعی و ارتباطات چهره به چهره را بررسی کنند.

به طور کلی بررسی پیشینه پژوهش‌ها نشان می‌دهد که پژوهش‌های مختلفی در زمینه تلفن همراه و تصورات و ذهنیت‌های کاربران آن از این فناوری صورت گرفته اما با توجه به تحولات مختلف در محیط یادگیری، سبک زندگی دانشجویی، مسائل و دغدغه‌های مختلف دانشجویان، هنوز جایگاه و نقش تلفن همراه و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بر این عرصه‌ها هنوز به طور دقیق مورد واکاوی قرار نگرفته و نیازمند پژوهش‌های مختلف است. لذا هدف پژوهش حاضر بر کردن این خلأ پژوهشی و برداشتن گامی در جهت پیشبرد دانش در این زمینه در بستر جامعه ایرانی است.

۱- چارچوب مفهومی

همان‌طور که راسموسن^۱ (2015) به نقل از حسنی و کلاتری، (۱۳۹۶) اشاره می‌کند رسانه‌های شخصی از جمله تلفن همراه را نمی‌توان بر اساس سنت‌های پژوهش رسانه‌های جمعی تحلیل کرد بلکه باید آن‌ها را بر اساس اینکه رسانه‌ای برای تولید و دریافت شخصی اطلاعات و معمولاً تولید ارتباط هستند، مفهوم‌سازی کرد. علاوه بر این، با توجه به ماهیت متعدد تلفن همراه نظریه‌های موضوعی شکل گرفته‌اند. برای مثال امکان ارتباط بدون توجه به مکان منجر به توسعه نظریه‌های موبایل با تمرکز ویژه بر موضوعات فضایی، مانند شهر در لحظه^۲، غیبت^۳ یا حضور متصل^۴ و فراهمانگی و هماهنگی خرد^۵ (Steenson & Donner, 2009) است. با این حال با توجه به کیفی بودن پژوهش حاضر در اینجا تلاش می‌شود برخی از نظریه‌ها عمده در خصوص تلفن همراه مورد بررسی قرار گیرد.

«نظریه شکاف دیجیتالی^۶»: هرگونه تفاوت بین افراد یا گروه‌ها در زمینه آگاهی، اقتباس،

1. Rasmussen, T
2. Real-Time City
3. Absent
4. Connected Presence
5. Hyper- And Micro-Coordination
6. Digital Gap

استفاده و مهارت آن‌ها با فناوری ارتباطات را تبیین می‌کند و به‌طور کلی به معنای تفاوت در پذیرش یا استفاده از فناوری بر اساس گروه‌بندی‌های اقتصادی اجتماعی است. یکی از نظریه‌های جاافتاده درباره شکاف دیجیتالی را که در مورد تلفن همراه هوشمند هم می‌تواند مصداق داشته باشد، ون دیورسن و ون دایک^۱ (2015، به نقل از رحیمی و دیگران، ۱۳۹۵) ارائه کردند. آن‌ها چهار نوع دسترسی به اینترنت را معرفی کردند که نابرابری در هر یک از آن‌ها به شکاف دیجیتالی می‌انجامد که عبارت‌اند از دسترسی انگیزشی، مادی، مهارتی و بهره‌ورانه. منظور از دسترسی انگیزشی، نگرش‌ها و انگیزه‌های افراد در استفاده کردن یا نکردن از اینترنت است. منظور از دسترسی مادی، دسترسی داشتن به فناوری‌های موردنظر است که خود دارای دو بعد دسترسی فیزیکی به کامپیوتر یا اتصال شبکه و تکفل مالی برای هزینه‌های نگهداری این فناوری‌ها است. دسترسی مهارتی به مهارت‌های مختلفی که افراد در استفاده از اینترنت دارند راجع است. سطح چهارم ناظر به استفاده‌های مختلف کاربران از اینترنت است. در ایران نیز پژوهش‌های مختلفی با اتخاذ این رویکرد در مورد تلفن همراه هوشمند انجام شده است (برای مثال ن.ک: افشار کهن و زمانی، ۱۳۸۸؛ روشن‌دل اربطانی و دیگران، ۱۳۹۳؛ رحیمی و دیگران، ۱۳۹۵)

«نظریه اهلی سازی^۲»: در دهه ۱۹۹۰ توسط هادون و سیلورستون^۳ پیشنهاد و توسعه یافت. این نظریه مبتنی بر شکل‌گیری اجتماعی فناوری^۴ است و چگونگی فرایند کشف، خرید و وارد کردن یک وسیله و دستگاه فناورانه به زندگی را بررسی می‌کند و چگونگی قضاوت افراد درباره استفاده دیگران از این وسایل و همچنین پیامدهای اجتماعی آن‌ها را ارزیابی می‌کند. اهلی کردن فرآیندی پویا است که در آن افراد و گروه‌ها در مورد استفاده از یک وسیله فناورانه با یکدیگر مذاکره می‌کنند و سعی می‌کنند آن را در ساختارهای زندگی شخصی خود و فضای خانه خود جای دهند تا به بهترین وجه نیازها و خواسته‌هایشان را برآورده سازد. همان‌طور که مصرف‌کنندگان نحوه استفاده از دستگاه را می‌توانند تغییر

-
1. Van Deursen and Van Dijk
 2. Domestication
 3. Silverstone and Haddon
 4. Social Shaping of Technology

دهند، دستگاه نیز به نوبه خود بر زندگی روزمره مصرف کنندگان دستگاه فناوری تأثیر می‌گذارد و آن‌ها تغییر می‌دهد (Haddon, 2003) در اهلی کردن می‌تواند نظریه سودمندی در خصوص تلفن همراه هوشمند باشد زیرا به کاربردها و پیامدهای اجتماعی استفاده از آن توجه دارد. فرقانی و بدیعی (۱۳۹۴) در پژوهش خود درصدد فهم فرایند اهلی سازی تلفن همراه هوشمند در زندگی روزمره دانشجویان برآمدند. دونر، گیتاو و مارسدن^۱ (2011) اهلی کردن دستگاه‌های تلفن همراه را در غیاب تجربه کار با رایانه را بررسی کردند.

«نظریه اپاراتگایست^۲»: توسط کاتز و آخوس^۳ برای کشف جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و مادی فناوری ارتباطات سیار و شخصی^۴ مطرح شد. آن‌ها این اصطلاح را به منظور تأکید بر استفاده انسان‌ها از فناوری ارتباطات سیار و شخصی و پیامدهای آن ارائه کردند. اپاراتژیست به عنوان روح ماشین که هم در طراحی فناوری تأثیر دارد و هم بر اهمیت اولیه و بعدی که کاربران، غیر کاربران و ضد کاربران برای فناوری قائل هستند، تعریف شده است. روح ماشین فناوری ارتباطات، «تماس پیوسته» است. تماس پیوسته منطق و روح فناوری اطلاعات است و اصول طراحی، ساخت و استفاده از فناوری‌های ارتباطات شخصی را تحت سیطره خود دارد (Katz and Aakhus, 2002). لب کلام نظریه اپاراتژیست آن است که استفاده از فناوری برساخت اجتماعی دارد و از نظر فنی، جبرگرایانه نیست. هنجارها، فهم مشترکی از نحوه استفاده از فناوری ایجاد می‌کند. این فهم مشترک برآمده از نظریه برساخت اجتماعی فناوری است.

پینچ و بیجکر (1987) «برساخت اجتماعی فناوری»^۵ را در مطالعات فناوری مطرح کردند. آن‌ها برخلاف جبرگرایان فناوری بر این باور بودند که فناوری برساختی اجتماعی

-
1. Donner, Gitau, and Marsden
 2. Apparatchgeist
 3. Katz and Aakhus
 4. Personal Communication Technologies
 5. Social Construction of Technology (SCOT)

دارد و «گروه اجتماعی ذی‌ربط^۱» معانی متفاوتی از آن استنباط می‌کنند و پس از مناقشات فراوان، معنای فناوری تثبیت^۲ می‌شود. از جمله مثال‌های آن‌ها، تثبیت طراحی در تاریخ دوچرخه است. در اواخر قرن نوزدهم، چندین طراحی از دوچرخه وجود داشت که گروه‌های مختلف تلقی‌های متفاوتی از آن داشتند (انعطاف‌پذیری تفسیری). این گروه‌ها به ویژگی‌های مختلف طراحی همچون امنیت، سرعت و لرزش توجه داشتند. نهایتاً، شکل جدید دوچرخه به صورت دو چرخ هم‌اندازه و تایرهای بادی به منزله طراحی باثباتی شکل گرفت که بخش عمده‌ای از دغدغه‌های گروه‌های ذی‌ربط را برآورده می‌ساخت (همتی، ۱۳۹۷: ۱۹۹)

«نظریه‌های فمینیسم فناوری» نیز بر رابطه متقابل بین جنسیت و فناوری تأکید دارند، جایی که فناوری‌ها توأمان به عنوان منبع و پیامد روابط جنسیتی تلقی می‌شوند. در نظریه شکل‌گیری اجتماعی فناوری در ارتباط با آثار جدید در زمینه فناوری‌های ارتباطی، تلفن به عنوان یک فناوری زنانه شده و خانگی تلقی می‌شود و ارتباط سنتی مردانگی با فناوری‌ها را زیر سؤال می‌رود. تحقیقات نشان می‌دهد تلفن همراه توسط گروه‌های سنی مختلف زنان برای اهداف اجتماعی و امنیت فردی بکار می‌رود، هرچند که ممکن است از نظر دسترسی به تلفن همراه، شرایط مجاز دسترسی و استفاده واقعی تفاوت‌هایی میان آن‌ها وجود داشته باشد (Singleton and Green, 2007).

به طور کلی به توجه به اینکه هدف پژوهش کشف و واکاوی معنای تلفن همراه است، رویکردهای برساختی به فناوری نظیر برساخت اجتماعی فناوری مناسب‌تری در مقایسه با سایر رویکردها دارند.

۲- روش

در پژوهش حاضر برای رسوخ به ذهنیت‌ها و فهم تجارب دانشجویان دختر از تلفن همراه هوشمند، از روش تحقیق تفسیری استفاده شده است. روش تحقیق تفسیری بر این مبنا

1. Relevant social Group
2. Stabilization

استوار است که واقعیت به گونه‌ای مستقل از درک، فهم و ایده‌های ما نسبت به آن، در «خارج» وجود ندارد. در واقع تفسیرگرایان معتقدند هیچ چیزی خارج از ما و یا ذهن ما وجود ندارد. به عبارت دیگر جهان ما یا واقعیت همیشه آن چیزی است که توسط ما خلق می‌شود، نه آن چیزی که کشف یا پیدا می‌کنیم. این دید باعث می‌شود تا برخلاف اصول حاکم بر واقع‌گرایی، خود واقعیت به عنوان یک مرجع خارجی برای پایان دادن به اختلافات موجود در علم و یا ابزار تمیز دادن نتایج خوب از بد در نظر گرفته نشود. (Smith, 1992)

به منظور جمع‌آوری اطلاعات از روش مصاحبه نیمه ساختمند استفاده شد. مصاحبه نیمه ساختمند ماهیتی اکتشافی دارد و برای موضوعاتی که فاقد ساختار پیچیده نظیر ارزش‌ها و انگیزه‌های شخصی مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای انجام مصاحبه نیمه ساختمند باهدف کسب اطلاع عمیق از مصاحبه‌شوندگان، چند سؤال کلی طراحی کرد و در حین مصاحبه و برای روشن‌تر شدن بحث و دست‌یابی به فهم عمیق‌تری از ذهنیت مصاحبه‌شوندگان، برخی سؤالات نیز در حین مصاحبه و بنا به اقتضای فضای مصاحبه مطرح شدند. از طرف دیگر با افزایش تعداد مصاحبه‌ها و پیشرفت کار بعضی از سؤالات با پاسخ‌های تکراری مواجه شدند، بنابراین در مصاحبه‌های بعدی از ذکر چنین سؤالاتی خودداری شد و در عوض بر سؤالاتی که هنوز پاسخ‌های کافی دریافت نکرده بودند و به اشباع نرسیده بودند، تأکید شد. علاوه بر این، مصاحبه‌ها را به نحوی انجام دادیم تا تعامل میان ما و مصاحبه‌شوندگان کمترین اثر را بر روی دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان به جای بگذارد. روش تحقیق تفسیری ایجاب می‌کرد تا فرایند پژوهش بر اساس یک چرخه مشخص و منظم انجام گیرد. به همین منظور بعد از انجام هر مصاحبه، اطلاعات گردآوری شده تحلیل شدند و سپس بر مبنای یافته‌های حاصل از تحلیل مصاحبه بعدی انجام شدند؛ بنابراین چرخه‌ای از مصاحبه، تحلیل، نمونه‌گیری و مصاحبه متناوباً انجام شد تا جایی که دیگر مفهوم جدیدی کشف نشود.

برای گزینش مشارکت‌کنندگان از نمونه‌گیری هدفمند و از نوع ترکیبی (نمونه‌گیری

حداکثر تنوع و نمونه‌گیری نظری) استفاده شد. معیار ورود مشارکت کنندگان به مصاحبه، داشتن تلفن همراه هوشمند و استفاده از آن حداقل به مدت ۳ ساعت در طول روز بود. برای رسیدن به یافته‌هایی جامع‌تر نمونه‌هایی انتخاب شدند که از لحاظ معیارهای سن، وضعیت تأهل، مقطع تحصیلی و رشته از تنوع کافی برخوردار باشند. علاوه بر این، انتخاب فرد بعدی برای مصاحبه از اهمیت زیادی برخوردار بود. روند نمونه‌گیری و انجام مصاحبه‌ها تا زمان رسیدن به «اشباع نظری»^۱ ادامه داشت. نمونه پژوهش حاضر شامل ۱۵ نفر از دانشجویان دانشگاه اصفهان بودند که به‌طور متوسط حدود ۴۵ دقیقه الی ۱ ساعت با هر کدام مصاحبه صورت گرفت. در جدول یک ویژگی‌های جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان ذکر شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان

شماره مصاحبه‌شونده	سن	وضعیت تأهل	رشته	مقطع تحصیلی
دانشجوی شماره ۱	۱۹	مجرد	کامپیوتر	کارشناسی
دانشجوی شماره ۲	۲۱	متاهل	جامعه‌شناسی	کارشناسی
دانشجوی شماره ۳	۲۰	مجرد	فلسفه و کلام	کارشناسی
دانشجوی شماره ۴	۱۹	مجرد	جامعه‌شناسی	کارشناسی
دانشجوی شماره ۵	۲۷	مجرد	ادبیات	ارشد
دانشجوی شماره ۶	۲۵	مجرد	مدیریت	ارشد
دانشجوی شماره ۷	۲۹	مجرد	فیزیک	ارشد
دانشجوی شماره ۸	۳۰	متاهل	فیزیک	دکتر
دانشجوی شماره ۹	۲۴	مجرد	اقتصاد	کارشناسی
دانشجوی شماره ۱۰	۲۸	متاهل	ادبیات	ارشد
دانشجوی شماره ۱۱	۲۵	متاهل	تربیت بدنی	کارشناسی
دانشجوی شماره ۱۲	۲۶	مجرد	زیست‌شناسی	ارشد
دانشجوی شماره ۱۳	۲۳	متاهل	شیمی	کارشناسی
دانشجوی شماره ۱۴	۳۵	متاهل	علوم سیاسی	دکتر
دانشجوی شماره ۱۵	۲۶	مجرد	پزشکی	دکتر

1. Theoretical Saturation

فرایند تحلیل داده‌ها از سطح داده‌های خام به سطح مفاهیم انتزاعی جهت دست‌یابی به مقوله‌ها صورت گرفت. به همین منظور کدگذاری در دو مرحله یعنی کدگذاری اولیه جهت دست‌یابی به خرده مقوله‌ها و کدگذاری متمرکز جهت دست‌یابی به مقوله‌های عمده انجام شد. برای انجام کدگذاری اولیه بعد از پیاده‌سازی متن مصاحبه‌ها و تحلیل سطر به سطر آنان به کلمه، جمله یا پاراگرافی که مرتبط با اهداف پژوهش بود یک برچسب مفهومی الصاق شد. در مجموع از ۱۵ مصاحبه حدود ۳۰۰ برچسب مفهومی حاصل شد. این برچسب‌های مفهومی با رفت و آمد مداوم میان داده‌های پژوهش و تمرکز بیشتر بر آنان، بارها تغییر یافتند تا نهایتاً مفاهیمی که رضایت‌بخش باشد ظهور یابند. هم‌چنین مفاهیمی که فحوای یکسانی داشتند و از برچسب‌های مشابه برای آنان استفاده شده بود ادغام شدند. در مرحله بعدی برای غربال کردن داده‌ها با مراجعه به یادداشت هر برچسب و مقایسه کردن برچسب‌ها با یکدیگر، موارد متداخل یا مشابه شناسایی شدند. این برچسب‌های مشابه در یک گروه و در قالب یک کد واحد قرار گرفتند. در این مرحله از ۳۰۰ برچسب مفهومی ۶۰ کد اولیه حاصل شد. مرحله بعدی فرایند تحلیل داده‌ها استفاده از معنادارترین یا فراوان‌ترین کدهای اولیه برای تقلیل میزان زیادی از داده‌ها بود. در واقع هدف از کدگذاری متمرکز رسیدن به سطح بالاتری از انتزاع در قالب مقولات است. با انجام این مرحله از کدگذاری از ۶۰ کد اولیه که در مرحله کدگذاری اولیه حاصل شدند، ۵ مقوله حاصل شد. در نهایت دو مقوله اصلی از پنج زیر مقوله حاصل شدند.

یکی از موضوعات مهم در انجام تحقیقات کیفی، اعتبار‌پذیری و مشروعیت بخشی به یافته‌هاست. اعتبار‌پذیری به واقعی بودن توصیف‌ها و یافته‌های پژوهش اشاره دارد و عبارت است از درجه اعتماد به واقعی بودن یافته‌ها برای شرکت‌کنندگان پژوهش و برای زمینه‌ای که این پژوهش در آن انجام شده است؛ جهت اعتبار‌پذیری، لینکلن و کوبا به مواردی همچون تماس طولانی با محیط پژوهش، مشاهده مستمر، بررسی از زوایای مختلف، تبادل نظر با هم‌تایان، تحلیل موارد منفی، کفایت مراجع و کنترل از سوی اعضا اشاره کرده‌اند (حریری، ۱۳۸۵: ۶۶). در پژوهش حاضر برای دست‌یابی به داده‌هایی معتبر و

قابل اطمینان، به مصاحبه‌شوندگان از لحاظ رازداری اطمینان کافی داده شد و تأکید شد که تمامی مصاحبه‌ها به صورت ناشناس و بدون درج مشخصات فردی در پژوهش استفاده خواهد شد. علاوه بر آن برای کسب اعتبار در مرحله کدگذاری، به‌طور پیوسته بین داده‌ها و کدها رفت و آمد صورت گرفت و مفاهیم انتزاعی استخراج‌شده همواره با اصل داده تطبیق داده شدند و از سازگاری آنان اطمینان حاصل شد. ضمناً تمامی مراحل کدگذاری به صورت و در جلسات مختلف بین نگارندگان صورت گرفت. در طول مدت فرایند کدگذاری اصلاحات و تغییرات لازم جهت هم‌خوانی هر چه بیشتر مفاهیم انتزاعی استخراج‌شده با داده‌ها اعمال گردید.

۳- یافته‌ها

پس از انجام دادن مرحله تحلیل داده با تمرکز بر ۶۰ کد اولیه و انجام دسته‌بندی‌های مختلف بر اساس شباهت کدها، نهایتاً ۵ مقوله جامع‌تر بر مبنای موضوع پژوهش حاصل شد. این مقوله‌ها عبارت‌اند از: تشخیص بخشی به موبایل، شکل‌گیری خود مجازی، بی‌موبایل‌هراسی، فرصت‌سازی و فرصت‌سوزی. مرحله بعدی از روند کدگذاری به کشف و استخراج مقوله‌های اصلی پژوهش اختصاص داشت. مقولات اصلی بر مبنای تفسیر نگارندگان از داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها بناشده‌اند و سعی شد تا این مقولات در سطح انتزاع بالاتری نسبت به مقوله‌های قبلی و دربرگیرنده نگرش و زاویه دید مصاحبه‌شوندگان نسبت به موضوع پژوهش باشند. درنهایت دو مقوله فراگیر «سوژگی متقابل» و «پارادوکس موبایل» به‌عنوان مقوله‌های اصلی به دست آمد.

۱- سوژگی متقابل

مفهوم سوژگی به معنای قدرت اثرگذاری یا عاملیت است. سوژگی موبایل به این معنا است که موبایل از رهگذر افزایش امکانات و جذابیت‌های بصری‌اش از پوسته انفعال خارج‌شده و توانایی تأثیرگذاری فوق‌العاده‌ای را بر زندگی و روان انسان به‌طور عام و دانشجویان به‌طور خاص دارد. نمونه‌های این اثرگذاری در زندگی روزمره دانشجویان

به‌وفور قابل مشاهده است. به همراه داشتن دائمی موبایل حتی در مکان‌های غیرمعمول، مضطرب شدن در نبود موبایل، وابسته شدن به شبکه‌های اجتماعی موبایلی و بروز آشفتگی ذهنی در اثر استفاده زیاد نشان‌دهنده قدرت اثرگذاری این وسیله بر ذهن و زندگی منهاست. هم‌چنین خلق هویت‌های مجازی به‌عنوان بخشی از شخصیت واقعی از جمله مقولات فرعی به دست آمده است. هویت‌هایی که در اکثر موارد با خود حقیقی فرد سنخیت چندانی ندارند اما در اصل چیرگی موبایل بر شخصیت فرد را به‌خوبی نمایان می‌سازند. به‌عبارت‌دیگر موبایل همچون فردی همه‌چیزدان، توانایی آن را دارد تا به تدریج کاربر را به خود وابسته ساخته و غیرمستقیم هدایت زندگی فردی و اجتماعی وی را در دست گیرد. در این میان، مالکین برندهای موبایل نیز با افزایش امکانات این وسیله، شرایط را برای سازگاری هر چه بیشتر آن با جریان زندگی روزمره فراهم می‌سازند. به‌طور مثال ساخت گوشی‌های ضد آب امکان استفاده از آن را حین استحمام یا شنا فراهم می‌کند. امکاناتی که به‌ظاهر جهت رفاه حال کاربران طراحی شده‌اند، اما در باطن موجب عجین شدن هر چه بیشتر آن با انسان و در واقع تقویت سوژگی موبایل می‌شوند.

مقوله سوژگی متقابل در توضیح معنا و مفهومی که مصاحبه‌شوندگان بر نحوه ارتباطشان با موبایل قائل شده‌اند، استفاده می‌شود. این مقوله با تأکید بر دوطرفه بودن رابطه بین موبایل و انسان، دربرگیرنده سه زیر مقوله تشخیص بخشی به موبایل، شکل‌گیری خود مجازی و بی موبایل هراسی است که هر یک تشریح‌کننده بخشی از معنای رابطه میان موبایل و انسان از دید مصاحبه‌شوندگان هستند. در این رابطه از یک‌سو موبایل در قالب یک شخصیت مقتدر و مسلط بر انسان عمل کرده که توانایی وابسته‌سازی انسان را به خود دارد و وی را وادار می‌سازد تا هویتی مجازی بر مبنای موبایل خلق کند. هویتی مجازی و خودساخته که انسان را در چنگال خود اسیر ساخته و او را از جریان حقیقی زندگی و بهره‌مندی از فرصت‌ها محروم می‌سازد و از سوی دیگر انسان با ایجاد رابطه‌ای شبه انسانی با موبایل در پی شخصیت دهی و هویت بخشی به موبایل خود است تا به‌نوعی آن را جایگزین روابط انسانی تضعیف‌شده خود کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهند که قدرت

اثرگذاری موبایل بر هویت و سبک زندگی اشخاص بسیار چشمگیر است و مصاحبه‌شوندگان در برابر این وسیله تا حدود زیادی منفعلانه عمل کرده و در خود توانایی جدایی از دنیای موبایل و فضای مجازی را نمی‌بینند که این مسئله خود نشانگر وابستگی شدید و بی‌چون‌وچرای افراد به موبایل است.

تشخص بخشی به موبایل

تشخص بخشی به موبایل یکی از مقوله‌های مهم در تعریف سوژگی متقابل است. این مقوله نشان‌دهنده تأثیر انسان بر ارائه تفسیری جدید و تعریفی انسانی از موبایل است. در تعریف این مقوله می‌توان گفت معنای موبایل برای برخی کاربران فراتر از یک وسیله صرفاً ارتباطی است. دانشجویان به موبایل به عنوان یک ابزار سخت و فناورانه که صرفاً برای رفع نیازها و تسهیل روابط طراحی شده است، نگاه نمی‌کنند. نقش پررنگ و مؤثر موبایل در ارتباطات، دریافت اطلاعات و گذران اوقات فراغت موجب شده تا موبایل همانند یک همراه و دوست همیشگی تلقی شود. موبایل با حضور در خصوصی‌ترین لحظات زندگی شخص تا اجتماعی‌ترین آن‌ها توانسته است جایگاه خود را به عنوان محرم اسرار و همدم فرد، به بهترین شکل تثبیت کند. این همراهی همیشگی بستری مناسب برای انس با موبایل ایجاد می‌کند. عمیق‌تر شدن این رابطه از یک سو زمینه‌ساز وابستگی روزافزون به این وسیله شده است و از سوی دیگر موجب می‌شود تا فرد به علت مشغول بودن با موبایل وقت و انرژی کمتری را صرف روابط انسانی خود کند.

در این شرایط نحوه مواجهه برخی کاربران با موبایل از حالت رابطه انسان با یک ابزار خارج شده و حالتی شبه انسانی می‌یابد. این افراد تمایل دارند تا موبایل را موجودی زنده و ذی‌شعور فرض کنند. در واقع شیوه استفاده و نگه‌داری فرد از موبایل در راستای شخصیت دهی و هویت بخشی به این وسیله قرار دارد. به عنوان مثال اهمیت دادن افراطی به ظاهر موبایل از جمله مواردی است که در یک رابطه شبه انسانی با این وسیله مشاهده می‌شود؛ بنابراین نحوه رفتار افراد با موبایل به گونه‌ای است که گویی با یک انسان حقیقی در ارتباط هستند. در واقع بستر و زمینه بروز چنین رفتارهای افراط گونه‌ای در رابطه با این وسیله علاقه

داشتن به گوشی موبایل و احساس نزدیکی به آن است به طوری که موبایل در ذهن فرد دارای شخصیت و هویت در نظر گرفته می شود، شخصیتی که شایسته توجه، زینت دادن و رسیدگی مداوم است:

«وقتی میخوام گوشی جدید بخرم حس بدی میاد سراغم... باینکه میدونم گوشی جدید امکانات بیشتری داره و من واقعاً لازمش دارم اما از طرفی این قدر به گوشی قبلی ام علاقه پیدا کردم که برام سخته ازش دل بکنم... طول میکشه تا آدم به گوشی جدید انس بگیره... چون با هر گوشی آدم کلی خاطره داره. من تمام گوشی هام رو تا الان نگه داشتم چون هر کدوم به دوره ای از زندگی منو با خودشون دارن (دانشجوی شماره ۵)».

از مصادیق دیگری که در رابطه با تشخیص بخشی به موبایل می توان به آن اشاره کرد، نسبت دادن خصلت های انسانی به موبایل است. از دید برخی مصاحبه شونده گان موبایل رفتاری عاقلانه یا هوشمندانه در رابطه با کاربران دارد. این مسئله به ویژه در رابطه با نرم افزارهای موبایلی نظیر اینستاگرام بیشتر بیان می شد. مصاحبه شونده گان اظهار داشتند که نرم افزار اینستاگرام دارای هوش مصنوعی است به گونه ای که توانایی تشخیص علاقه مندی های کاربر و در نتیجه در معرض دید قرار دادن صفحات مورد علاقه وی را دارد. دانشجوی شماره ۱۱ در این رابطه می گوید:

«احساس می کنم موبایلم به وقتایی ذهن منو میخونه... مثلاً به وقتایی وارد اینستاگرام که میشم به دفعه همون عکس هایی رو که بهش دارم تو ذهنم فکر می کنم می بینم... قبلاً شنیدم اینستاگرام هوش مجازی داره و شما رو میکشونه به سمت اون چیزی که بهش علاقه دارید اما باور نمی کردم... تا این که خودم نصب کردم و دیدم انگار راسته... کافیه به بار به صفحه رو ببینی دیگه شما رو کامل میبیره به اون سمت (دانشجوی شماره ۱۱)».

شکل گیری خود مجازی

شبکه های اجتماعی موبایلی به علت جذابیت، سهولت کاربری و تنوعشان مورد استقبال

عموم کاربران موبایل قرار گرفته‌اند. هدف از ایجاد چنین شبکه‌هایی تسهیل ارتباط انسانی بوده است. افراد برای استفاده از این شبکه‌ها ناچار هستند تا هویتی برای خود تعریف کنند؛ اما ویژگی‌های این شبکه‌ها به گونه‌ای است که ابتدا فرد را از هویت فعلی خود تهی می‌سازند و سپس به فرد این امکان را می‌دهند تا هویت مدنظر خود را ایجاد کند. ویژگی منحصر به فردی که در خصوص هویت مجازی می‌توان به آن اشاره داشت، آزادی انتخاب است. آزادی انتخاب به این معناست که فرد توانایی آن را دارد که از میان تمامی ویژگی‌های شخصیتی خود، آنچه را که دوست دارد به نمایش بگذارد. در واقع شبکه‌های اجتماعی موقعیتی فراهم می‌آورند که کاربران می‌توانند از هر جنسیت، سن، طبقه اجتماعی، نژاد و قومیتی که باشند، در آن ظاهر شوند و نقش دلخواه خود را بازی کنند. به بیان دیگر در شبکه‌های اجتماعی مجازی این قابلیت به فرد داده می‌شود تا خود را هر آن گونه که می‌خواهد، حتی فراتر از هویت واقعی خود در جهان عینی بازتعریف و روایت کند؛ بنابراین در فضای مجازی انتخاب اسم، عکس پروفایل، گروه دوستان و روایت فرد از خود، بدون هیچ گونه نظارت اجتماعی و کاملاً بر مبنای سلیقه شخص انجام می‌شود. به عنوان نمونه امکان ارائه خود آرمانی و مطلوب در فضای مجازی باعث شده تا امروزه با پدیده سلبریتی‌های مجازی روبرو باشیم، یعنی افرادی که از طریق فضای مجازی با نمایش زیبایی یا ثروت خود به شهرت رسیده‌اند، در حالی که در واقعیت از چنان محبوبیت و شهرتی برخوردار نیستند.

ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد فضای مجازی سبب شده تا شاهد تفاوت فاحشی میان هویت حقیقی و مجازی افراد باشیم؛ زیرا هویت حقیقی اشخاص ریشه در ملیت، تاریخ و جغرافیای مشخص دارد اما هویت مجازی علاوه بر آن که ساخته و پرداخته خود فرد است، در بستر یک فضای مجازی بی‌ریشه و متکثر نیز شکل گرفته است؛ بنابراین هویت‌های شکل گرفته در فضای مجازی، هویت‌هایی چندپاره، بی‌تعلق و به شدت سیال هستند. دانشجوی شماره ۴ تفاوت هویت مجازی و حقیقی را این گونه توصیف کرد:

«مثلاً یکی رو می‌بینی که تو دنیای مجازی چه قدر با شخصیت و خوبه ولی

توی واقعیت این طور نیست یا خیلی عکس‌ها... مثلاً می‌گی یعنی این که الان

می بینم اونه ... اصلاً باورت نمی شه. به نظرم دنیای مجازی به انسان ها این امکان رو می ده که اون کمال گرایی که از خودشون توی ذهنشون دارن رو بیارن وسط. مثلاً چرا یه دختر این قدر به خودش میرسه و عکس میگیره میداره پروفایلش. چون زیبایی و کمال گرایی رو میخواد. یا اینکه بعضی انسان ها خیلی با شخصیت میشن چون درواقع دوست دارند که همچنین چیزی باشن؛ یعنی بیشتر اون چیزی که دوست داری از خودت نشون بدی رو توی دنیای مجازی میاری وسط ... خود ایده آلات رو نشون میدی» (دانشجوی شماره ۴).

تفاوت هویت مجازی و واقعی باعث می شود تا اشخاص احساس دو گانه و متناقضی نسبت به خود پیدا کنند. از آنجاکه هویت مجازی توسط خود فرد خلق شده و کنترل می شود، این توانایی را دارد تا وی را نسبت به ویژگی های حقیقی اش دل سرد سازد. در واقع فرد بر اساس ویژگی های اغراق شده ای که در فضای مجازی از خود ارائه می کند نظیر چهره زیبا یا ثروت، مورد تأیید و تحسین دیگران می گیرد، اما دریافت نکردن چنین بازخورد و تأییدی از سوی جامعه در دنیای واقعی موجب ناامیدی و سرخوردگی او خواهد شد. همین مسئله سبب می شود تا شخص نسبت به خود مجازی اش وابسته و علاقه مند شده و تمایل به وقت گذرانی بیشتر در دنیای خیالی و خودساخته اش یابد. در واقع موبایل با تأثیر گذاشتن بر ذهنیت فرد او را به سمتی سوق می دهد که خود مجازی اش را بر شخصیت حقیقی اش ترجیح دهد.

«دیرستانی که بودم از خودم خیلی عکس می داشتم توی فیس بوک اما یه کم فتوشاپ هم می کردم چون اون موقع اعتماد به نفسم خیلی پایین بود... دلم می خواست حداقل اونجا چند نفر ازم تعریف کنن و واقعاً هم عکس هام خیلی لایک می خورد منم همش کیف می کردم و تازه با کسانی که می گفتن تابلوئه که عکسات فتوشاپه دعوا هم می کردم یعنی تا این حد باور کرده بودم که واقعاً این عکس های خودمه و کسی حق نداره بگه خودت نیستی» (دانشجوی شماره ۳).

سوژگی موبایل در پیدایش این خود مجازی و یا دنیای خیالی غیرقابل انکار است.

جذابیت و امکانات متنوع موبایل چون قفسی آهنین فرد را در خود گرفتار می‌سازد و به نوعی او را وادار به بازتعریف هویت خود بر اساس معیارهای فراملیتی و سیال می‌سازد. وابستگی روزافزون فرد به موبایل و فضای مجازی سبب می‌شود تا خود مجازی‌اش به عنوان یک «من دوم» در زندگی واقعی او نیز جریان یابد. این سردرگمی و رفت‌وآمد مداوم میان هویت مجازی و حقیقی پذیرش واقعیت‌های زندگی و تن دادن به جریان زندگی را برای برخی افراد روزبه‌روز دشوارتر می‌سازد.

بی موبایل هراسی

بی موبایل هراسی یکی از نشانه‌های اصلی تأثیر و تسلط موبایل بر مشارکت‌کنندگان بود. وابستگی آن‌ها به این وسیله موضوعی غیرقابل‌انکار است چراکه برای بسیاری از آن‌ها موبایل به جزء لاینفک زندگی روزمره بدل شده است. یکی از دلایل وابستگی به موبایل طیف گسترده کاربردهای آن است. کاربردهایی نظیر تسهیل ارتباطات، دریافت اطلاعات در لحظه، افزایش احساس امنیت و... باعث شده‌اند تا برای انجام بسیاری از امور روزمره مانند آگاهی از اخبار و رویدادها، گذراندن اوقات فراغت، انجام کارهای بانکی و حتی احوالپرسی از خویشان و نزدیکان، موبایل گزینه اول افراد باشد.

شاید بتوان گفت به علت احساس امنیت و آرامشی که موبایل در برخی زمینه‌ها برای دانشجویان دختر ایجاد می‌کند، وابستگی نسبی به موبایل تا حدودی موردقبول و طبیعی باشد. از همین رو تعدادی از مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کردند که در منزل احساس وابستگی به موبایل ندارند، اما در خارج از خانه به همراه داشتن موبایل به علت مهیا ساختن امکان دسترسی و تماس با نزدیکان، برای آنان امنیت و آرامش ایجاد می‌کند. به‌ویژه در مکان‌های خلوت یا هنگام شب، به همراه نداشتن موبایل باعث اضطراب افراد می‌شود. دانشجوی شماره ۶ در این رابطه می‌گوید:

«آگه موبایلم پیشم نباشه آرامشم روز از دست میدم. نه اینکه بگم خیلی بهش وابسته‌ام... نه! اما دوست دارم در دسترس باشم. شاید بقیه نگرانم بشم، یه کم مضطرب میشم به‌رحال به‌ویژه توی جاهای خلوت آگه موبایل نداشته باشم»

تحلیل تفسیری معنای تلفن همراه در زندگی دانشجویان دختر...؛ همتی و همکاران | ۱۹۳

احساس ناامنی می‌کنم. می‌ترسم کسی مزاحمم بشه و من هم به هیچ جا دسترسی نداشته باشم (دانشجوی شماره ۶)».

اما در برخی مصاحبه‌شوندگان نشانه‌هایی مبنی بر بروز نوعی وابستگی اعتیاد گونه به موبایل دیده می‌شد. این مصاحبه‌شوندگان اظهار کردند که سپری کردن یک روز بدون موبایل برای آنان غیرممکن و دشوار به نظر می‌رسد. هم‌چنین بیان داشتند که دچار نوعی وسواس در چک کردن مداوم گوشی خود شده‌اند تا مبادا پیام یا خبر جدیدی را از دست بدهند، به همین علت در مکان‌هایی نظیر حمام و دستشویی نیز موبایل را همراه خود دارند. در واقع ذهن آنان در طول روز دائماً هوشیار و در حال دریافت اطلاعات جدید به‌ویژه از طریق شبکه‌های اجتماعی بوده و هیچ‌گاه رهایی نمی‌یابند. در موارد حادث‌تر نیز شخص در نبود موبایل به شدت مضطرب شده و حتی احساس می‌کند امور زندگی‌اش مختل شده‌اند. اکثریت قریب به اتفاق مصاحبه‌شوندگان پیش از خواب حتماً موبایل خود را چک کرده و حتی مدت‌زمان خواب خود را به‌خاطر این مسئله کاهش می‌دهند. برخی نیز بیان کردند که برای از دست ندادن پیام‌های جدید و دریافت آن در لحظه از سایلنت کردن گوشی به هنگام خواب خودداری می‌کنند، این امر باعث شده است تا کیفیت خواب این افراد کاهش یابد. برای افراد وابسته به موبایل، بودن و نبودن موبایل هر دو، ایجادکننده تنش، اضطراب و هراس است. زیرا به هنگام حضور موبایل با چک کردن مکرر، لحظه‌به‌لحظه و وسواس گونه آن دچار آشفتگی و به‌هم‌ریختگی ذهنی می‌شوند و در نبود موبایل نیز به‌علت نگرانی ناشی از تماس‌ها و پیام‌های ازدست‌رفته دچار ترس و اضطراب می‌شوند؛ بنابراین به نظر می‌رسد در هیچ حالتی آرامش و راحتی را به‌طور کامل تجربه نمی‌کنند.

«هر وقت از موبایلم زیاد استفاده می‌کنم خیلی ذهنم آشفته میشه... مدام این

حس رو دارم که باید برم دوباره موبایلم رو چک کنم بینم مثلاً کسی پست

جدید گذاشته یا منو لایک کرده یا نه، حتی گاهی که موضوع واسم مهم بوده

نصف شب تو خواب بیدار شدم موبایلمو چک کردم... (دانشجوی شماره ۲)».

در مجموع، مقوله بی‌موبایل‌هراسی به معنای ترس و اضطرابی است که فرد به‌علت از

دست دادن، گم کردن یا نداشتن موبایل احساس می‌کند. این مقوله نشان‌دهنده شدیدترین تأثیر روانی موبایل بر انسان است. موبایل چنان انسان را به بند کشیده و بر او و افکارش احاطه یافته که انسان در نبودش مضطرب و آشفتگی می‌شود، گویی عزیزترین کسش را از او جدا ساخته‌اند. به عبارت دیگر موبایل نقش سوژه‌ای مقتدر را بازی می‌کند که بر ابژه‌های انسانی فرمانروایی می‌کند. ابژه‌هایی که در ظاهر در حال تعامل با دنیا و اطرافیان هستند اما در اصل در لاک موبایل و دنیای مجازی خود فرورفته‌اند؛ بنابراین از دید مصاحبه‌شوندگان موبایل وسیله‌ای است که با احساس آرامش و امنیت آنان گره خورده است و عدم دسترسی به آن موجبات اضطراب، هراس و اختلال در روند روزمره را ایجاد می‌کند.

۲- پارادوکس موبایل

استفاده از موبایل و رسوخ روزافزون آن به همه عرصه‌های زندگی، دلالت‌ها و پیامدهای مثبت و منفی مختلفی را با خود به همراه داشته است. امکانات و فرصت‌های بی‌نظیری که موبایل برای فرد و جامعه فراهم کرده است با توجه به شیوه استفاده شخص از آن می‌تواند برای وی سعادت یا شقاوت را به دنبال داشته باشد. پارادوکس موبایل نشان‌دهنده تضادی است که در نگرش و ذهنیت افراد نسبت به این وسیله وجود دارد. هیچ‌کدام از فرصت‌ها یا تهدیدهای ناشی از موبایل به تنهایی نشان‌دهنده دیدگاه افراد به موبایل نیستند و هیچ‌یک از مصاحبه‌شوندگان دیدی کاملاً منفی یا کاملاً مثبت به این وسیله نداشتند. بلکه مجموعه‌ای از تضادها و دوگانگی‌ها بر نظرات آن‌ها حاکم بود. وجه سیاه و سفیدی از این وسیله، توأمان در ذهن مصاحبه‌شوندگان نقش بسته بود که هر یک بیانگر بخشی از معنای موبایل برای شخص بودند. هم‌نشینی و همراهی دو وجه متضاد از موبایل در تجارب مصاحبه‌شوندگان به حدی بود که تعدادی از آنان برای بیان احساس خود نسبت به این وسیله از اصطلاح «چاقوی دولبه» استفاده می‌کردند. واژه‌ای که به خوبی بیانگر چهره ژانوسی موبایل در تجارب مشارکت‌کنندگان بود. از منظر آنان موبایل وسیله‌ای فرصت‌زا و فرصت‌سوز است که در عین ایجاد ظرفیت‌ها و امکانات ارتباطی و اطلاعاتی جدید برای فرد، برخی فرصت‌ها را نیز از وی سلب می‌کند.

فرصت سازی

بخشی از معنای موبایل از دید مصاحبه‌شوندگان نیز دربرگیرنده وجه مثبت و سازنده آن بر مبنای فرصت‌های به وجود آمده توسط این وسیله است. فرصت‌های ایجادشده توسط موبایل طیف وسیعی را در برمی‌گیرند که بخش اعظم آن حاصل اتصال موبایل به اینترنت و استفاده روزافزون از امکاناتی نظیر نرم‌افزارها و شبکه‌های اجتماعی موبایلی است. برای مثال دسترسی و آگاهی از اخبار و اطلاعات در لحظه یا به اصطلاح به‌روز بودن یکی از فرصت‌های ایجادشده از طریق موبایل بود که تقریباً تمامی مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کرده و آن را جزء اولین و مهم‌ترین مزیت‌های استفاده از این وسیله برشمرده بودند:

«از وقتی تلگرام نصب کردم دیگه همه اخبار رو هر روز از توی کانال انتخاب یا پارسینه میخونم... خیلی خوبه که هر اتفاقی رو در لحظه ازش باخبر میشی، نمیخواد مثلاً کلی وقت منتظر باشی تا به خبر رو تازه با کلی سانسور و دروغ از تلویزیون بشنوی... در لحظه زندگی کردن خیلی برام جذابه، احساس می‌کنم به اطرافم تسلط دارم و منم مثل کشورهای جهان اول به روزام و از چیزی جا نمی‌مونم (دانشجوی شماره ۱۵)».

از منظر مصاحبه‌شوندگان موبایل علاوه بر تسهیل ارتباط افراد با دوستان و خانواده، توانسته است زمینه‌ساز ایجاد روابط جدیدی برای فرد باشد. در واقع از نظر آنان استفاده از شبکه‌های اجتماعی موبایلی و عضویت در کانال‌ها و گروه‌های مختلف موجب پیدایش پیوندهای جدید و گسترش روابط اجتماعی‌شان شده است. به همین علت مصاحبه‌شوندگان استفاده از موبایل را دلیل اجتماعی‌تر شدن خود می‌دانستند. علاوه بر گسترش روابط اجتماعی، تأیید شدن فرد یا به اصطلاح لایک شدن در فضای مجازی و امکان ابراز آزادانه عقیده نیز زمینه‌ساز افزایش اعتماد به نفس و بیان آسان‌تر احساسات و افکار برای اشخاص بوده است.

«من تو گروه‌های مختلفی عضووم و این باعث شده اطلاعات عمومی‌ام خیلی بیشتر بشه... احساس می‌کنم به روزترم و آگه بخوام تو یه جمعی حرف بزنم بالاخره یه حرف جدید واسه گفتن دارم... مثلاً وقتی از بازی نهنگ آبی حرف می‌زنم، منم

راجع بهش تو موبایلم خوندم و می‌تونم وارد بحث بشم همین باعث شده اعتماد به‌نفسم واسه حرف زدن تو جمع بالا بره (دانشجوی شماره ۲)».

درک بهتر دیگران و به‌ویژه پذیرش عقاید متفاوت نیز از دیگر مواردی بود که مصاحبه‌شوندگان آن را از مزایای استفاده از موبایل می‌دانستند. از نظر آنان یکی از فواید استفاده از شبکه‌های اجتماعی موبایلی، آشنایی با افکار و نظریات متفاوت است. امکان بحث، تبادل نظر و تضارب آرا در گروه‌های مختلف علاوه بر آشنایی با تنوع افکار، در کنار گذاشتن تعصبات و پذیرش تفاوت‌ها (به‌خصوص تفاوت‌های مذهبی) نقش مؤثری داشته است. به‌عبارت‌دیگر استفاده از موبایل موجب افزایش تاب‌آوری اجتماعی و تحمل بیشتر عقیده مخالف شده است.

«تا همین چند سال پیش خیلی نظر مثبتی راجع به آدم‌های بی‌حجاب نداشتم... اصلاً هیچ کاریشون رو قبول نداشتم؛ اما به مدت تو اینستاگرام پیج چند تا از این‌ها رو دنبال کردم و نظرم خیلی عوض شد نسبت بهشون. دیدم در درون واقعاً آدم‌های خوبی هستن و فقط ظاهرشون با من فرق داره و شاید اصلاً خیلی کارهاشون بهتر از منه... از اون موقع به بعد دیدم عوض شده و سعی می‌کنم تفاوت آدم‌ها رو بیشتر قبول کنم (دانشجوی شماره ۲)».

سایر مواردی که مشارکت‌کنندگان در ارتباط با فرصت‌سازی اشاره کرده‌اند به‌این ترتیب است: افزایش اعتماد به‌نفس، درک بهتر دیگران، پذیرش بیشتر عقاید متفاوت، تأیید کردن و تأیید شدن از سوی دیگران، تسهیل ارتباطات، افزایش هوشیاری و آگاهی نسبت به مسائل جامعه، افزایش دایره دوستان (گسترش ارتباطات)، حفظ روابط گذشته، بیان راحت‌تر احساسات، عامل اجتماعی‌تر شدن، افزایش احساس امنیت اجتماعی، افزایش آرامش به‌علت در دسترس بودن، راه‌اندازی کسب‌وکارهای موبایلی، کسب درآمد از طریق موبایل، افزایش اطلاعات علمی، افزایش اطلاعات عمومی، استفاده آموزشی، دسترسی به اطلاعات در لحظه، گسترش ارتباطات علمی

فرصت سوزی

وجه منفی موبایل بخش زیادی از ذهنیت مصاحبه‌شوندگان را شکل داده است. به گونه‌ای که اثرات منفی و مضرات استفاده از موبایل جزء اولین واژگانی بودند که افراد در توصیف دیدگاهشان نسبت به موبایل بیان می‌کردند. مصاحبه‌شوندگان موبایل را علی‌رغم بهره‌مندی از ویژگی‌ها و امکانات مثبت و سازنده، وسیله‌ای فرصت سوز نیز می‌دانند. مقوله فرصت سوزی در واقع نقطه مقابل مقوله فرصت سازی است و این دو مقوله در کنار یکدیگر نشان‌دهنده تناقض معنایی است که موبایل در ذهن مصاحبه‌شوندگان دارد. این مقوله نیز همانند مقوله فرصت سازی طیف گسترده‌ای را در برمی‌گیرد.

یکی از مهم‌ترین پیامدهای موبایل، تأثیر آن بر کاهش روابط چهره به چهره است. مشغول بودن دائم افراد با موبایل علاوه بر اتلاف وقت موجب شده تا به جای انجام ملاقات حضوری با دوستان و اقوام به احوال‌پرسی از آنان از طریق موبایل اکتفا کنند. در واقع ارتباط موبایلی با نزدیکان و دوستان توجیه‌کننده عدم برقراری ارتباط رودررو برای اشخاص است. مشغولیت دائم با موبایل موجب بی‌تفاوتی افراد به یکدیگر در جمع و انگیزه نداشتن برای برقراری ارتباطات جدید می‌شود که در نهایت این مسئله باعث بروز احساس تنهایی و درگیر شدن فرد در انزوایی خودخواسته خواهد شد.

«واقعیتش یه چند سالی میشه که یه جورایی علاقه‌ام رو به ارتباط با دیگران از دست دادم... یعنی خیلی انگیزه ندارم با افراد جدید بخوام حرف بزنم و اکثر وقت‌ها هم می‌بینم که تو جمع‌های مختلف هم آدم‌ها معمولاً سرشون تو گوشیه... حالتشون یه جوریه که انگار میخوان به هم بی‌اعتنایی کنن... قبلاً وقتی دو نفر غریبه هم توی یه جمع نگاهشون به هم می‌افتاد به هم لبخند می‌زدن اما الآن همه سعی می‌کنن خودشون رو با گوشی مشغول کنن تا نگاهشون به هم نیافته... منم خودم اینجوری هستم که ترجیح میدم تو گوشی باشم چون برام راحتتره (دانشجوی شماره ۱)».

استفاده از موبایل به شدت بر روی روابط درون خانوادگی مصاحبه‌شوندگان نیز

تأثیر گذاشته است و باعث شده تا روابط اعضای خانواده به سردی بگراید و زمانی که باید صرف استحکام بخشیدن و گرمی روابط درون خانه شود، با سپری شدن در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی هدر رود. دانشجوی شماره ۶ در این رابطه می‌گوید:

«مسئله آینه که اون‌ها هم مثل من بعضی وقت‌ها زیاد از موبایل استفاده می‌کنن... یه وقتی که دور همیم سرم رو که بالا میارم تا یه حرفی بزنم می‌بینم هیچ گوش شنوایی وجود نداره و همه سرشون تو موبایله... انگار اصلاً آدم رو نمی‌بینن. خیلی حس بدیه. آدم احساس می‌کنه روز به روز داره از اطرفیانیش دورتر میشه. (دانشجوی شماره ۶)».

از جمله تأثیرات استفاده از موبایل و فضای مجازی بر روابط زناشویی دانشجویان متأهل، انجام مقایسه‌های مداوم به‌ویژه از لحاظ اقتصادی و افزایش سطح توقعات زوجین از یکدیگر است. این امر زمینه‌ساز ایجاد اختلافات زناشویی، مشکوک شدن به یکدیگر و دل‌سرد و ناامید شدن نسبت به زندگی مشترک است. دانشجوی شماره ۷ در تشریح این مورد می‌گوید:

«وقتی می‌بینم که شوهرهای دوستانم مثلاً براشون تولد میگیرن و سورپرایزشون می‌کنن و عکس‌هاشو میدارم تو اینستاگرام... بعضی وقت‌ها میگم که چرا شوهر من این کار رو نمی‌کنه خب... توقعات رو خیلی برده بالا. چون مردم ما فرهنگ اونچنانی ندارن که آگه یه تولدی گرفتن آگه یه مهمونی گرفتن نیان تجملات خودشون رو به رخ بکشن، این واقعاً باعث میشه که اجازه راحت زندگی از خیلی‌ها گرفته بشه (دانشجوی شماره ۷)».

برخی نرم‌افزارهای موبایلی نظیر اینستاگرام که امکان به اشتراک گذاشتن عکس در آنان وجود دارد بر تغییر دید مصاحبه‌شوندگان نسبت به جامعه اثر به‌سزایی داشته‌اند. عکس‌های منتشر شده در این فضا به‌ویژه در پیج‌های ایرانی، معمولاً فاقد محتوای سودمند بوده و بیشتر اشاعه دهنده تجمل‌گرایی، مصرف‌گرایی، سطحی‌نگری و ابتذال است. از همین رو مصاحبه‌شوندگان بیان کردند که مشاهده عکس‌های دیگران در فضای مجازی موجب

تحلیل تفسیری معنای تلفن همراه در زندگی دانشجویان دختر...؛ همتی و همکاران | ۱۹۹

شده تا آنان مکرراً خود را با دیگران از لحاظ زیبایی ظاهر، استعدادها، ثروت و ... مقایسه کنند. نتیجه این مقایسه ایجاد احساس افسردگی، ناامیدی و هم‌چنین بروز بدبینی نسبت به جامعه است. علاوه بر آن مشاهده عکس‌های مبتذل به تدریج باعث کاهش قبح مسائل اخلاقی می‌شود.

«من همون اوایل که اینستاگرام داشتم یه سری بچه پولدارهای تهران هستن اونجا... خب من اینها رو خیلی دنبال می‌کردم بعد به جای می‌رسی می‌بینی که اینها همه چی دارن. زیبایی دارن، ثروت دارن، درسته اون شعور و فهمو شاید نداشته باشن؛ اما خب تو داری ظاهر زندگی مردم رو می‌بینی و این تو رو اذیت می‌کنه یه جورى باعث ناامیدی از زندگی می‌شه» (دانشجوی شماره ۴)

دانشجوی شماره ۹ در رابطه با تغییر دید خود نسبت به جامعه می‌گوید:

«توی سه چهار سال اخیر احساس می‌کنم مردم ما خیلی دو رو شدن یعنی یه چیزهایی می‌شنوی که اصلاً تصورش رو هم نمی‌کردی که توی جامعه تو باشه ولی الان میدونی که هست و به شکل خیلی بدی هم هست... منم دیدی که قبلاً نسبت به جامعه داشتم یه دید مثبت و خوب و همه چی آرومه و عالی بود اما الان دیگه اون نیست ... کلاً من می‌ترسم یه وقتایی برم سر موبایلم چون استرس می‌ده بهم. من الان هم دیگه خبرها رو پیگیری نمی‌کنم از تلویزیون و اینا» (دانشجوی شماره ۹).

در نهایت یافته‌ها نشان داد که استفاده مداوم از این وسیله می‌تواند موجب سلب آرامش شده و نوعی اضطراب و آشفتگی ذهنی را برای افراد به همراه آورد. گستردگی و پراکندگی مطالب دریافتی از طریق موبایل و برنامه‌هایی نظیر اینستاگرام موجب تنش در فرد می‌شود. هم‌چنین وجود اطلاعات شخصی بسیار زیاد در موبایل و ترس از هک شدن موبایل و از دست رفتن آنان زمینه‌ساز ایجاد اضطراب در شخص است. اخلال در روابط خانوادگی، بی‌تفاوتی افراد به یکدیگر، منزوی شدن، ایجاد اضطراب، بروز آشفتگی ذهنی، احساس افسردگی، احساس ناامیدی، پرخاشگری، بدبینی نسبت به جامعه، کاهش روابط

دوستی، بروز احساس تنهایی، انزوای خودخواسته، کاهش قبح مسائل اخلاقی، کم رنگ شدن ارزش‌های مذهبی، استفاده جنسی، اتلاف وقت، کاهش مطالعه، افت تحصیلی سایر مواردی بودند که مشارکت‌کنندگان به آن‌ها به مثابه مصداق‌های فرصت سوز اشاره کرده بودند؛ بنابراین مجموع موارد ذکر شده سبب می‌شوند تا موبایل علاوه بر مزیت‌های متعدّدش، در ذهن افراد به‌عنوان وسیله‌ای فرصت سوز نیز تداعی شود.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

در بین فناوری‌های نوین، موبایل از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. از یک سو طیف گسترده امکانات و قابلیت‌های آن و از سوی دیگر ارتقا و پیشرفت پرشتاب آن موجب شده تا این وسیله به‌سرعت با زندگی روزمره انسان گره خورده و سازگار شود و تعبیر به گوگین^۱ (2006) فرهنگ متناسب با خود (فرهنگ تلفن همراه) را ایجاد کرده است. در فرهنگ اخیر، اولاً با توجه به نوجویی و نوگرایی جوانان و ثانیاً با توجه به علائق زیاد جوانان به فناوری‌ها و ثالثاً با توجه به انعطاف‌پذیری بیشتر آنان، انتظار می‌رود که بیشترین اثرپذیری فرهنگی از فناوری تلفن همراه را در سطح جوانان و به‌ویژه دانشجویان مشاهده کرد که البته همین مسئله توسط برخی از پژوهش‌های انجام شده مورد تأکید قرار گرفته است (منطقی، ۱۳۸۹) به‌طور کلی امروزه بسیاری از کارها با استفاده از موبایل و امکان اتصال آن به اینترنت به سهولت هرچه‌تمام‌تر انجام می‌گیرد. به وجود آمدن شبکه‌های اجتماعی موبایلی نیز نظیر اینستاگرام به‌عنوان نقطه عطفی در مسیر گسترش قابلیت‌های موبایل، نقش مهمی در فراگیر شدن آن میان اقشار مختلف جامعه فارغ از سن، جنسیت و طبقه اجتماعی ایفا کرده است و موبایل کاهش «شکاف دیجیتالی» حداقل از لحاظ دسترسی و استفاده‌های متفاوت از این فناوری و امکانات آن می‌باشد.

یافته‌های ما از تجارب گروه کوچکی از دانشجویان دختر نشان می‌دهد که تلفن همراه به سرعت وارد زندگی آنها شده و عمیقاً در کنشهای اجتماعی روزمره آنها جای‌گیر شده است. نتایج پژوهش نشان داد که مشارکت‌کنندگان به‌صورت انفعالی از این

1. Goggin, G

موبایل استفاده نمی‌کنند متناسب با شرایط زندگی شخصی خود در زمان و مکان آن را اهلی سازی کرده‌اند. از رهگذر افزایش امکانات جانبی و جذابیت‌های بصری موبایل، رابطه میان کاربر و موبایل از شکل یک‌طرفه خارج گشته و دوطرفه شده است (سوژگی متقابل). به این معنا که در این رابطه گاهی کاربر نقش سوژه و موبایل نقش ابژه را بازی می‌کند و گاهی این نقش‌ها بالعکس می‌شوند. از یک‌سو انسان‌ها با قائل شدن شخصیت و هویت برای موبایل و انجام اعمالی در جهت انسان‌سازی موبایل، تأثیر و تسلط خود را در این رابطه نمایان می‌سازند و از سوی دیگر موبایل نیز که ظاهراً یک شیء بی‌جان است با وابسته کردن روزافزون انسان به خود و ترغیب کردن او برای بازتعریف هویت خود در فضای مجازی قدرت آن را دارد تا تأثیرات شگرفی بر نحوه رفتار، عادات و شیوه زندگی اشخاص بر جای گذارد. این یافته به‌نوعی با ادبیات نظریه کنشگر-شبکه^۱ و تأکید آن بر عاملیت غیر انسان‌ها در شکل‌دهی به کنشگران انسانی و بازتعریف هویت آنها و از طرف دیگر نقش انسان‌ها در ایجاد شبکه‌های متشکل از انسان‌ها و هستارهای غیرانسانی همخوانی دارد.

در حال حاضر برای کاربران، تلفن همراه به بخشی ثابت و دائمی از زندگی روزمره، مدیریت زندگی و حفظ ارتباطات اجتماعی آن‌ها تبدیل شده است (Oksman and Rautiainen, 2004). بر همین اساس کاربران به علت دل‌بستگی و علاقه‌مندی به موبایل خود خواهان آن هستند تا این وسیله را زنده و دارای شخصیت پندارند؛ بنابراین رفتارهای این افراد در رابطه با موبایل حالتی انسانی گونه می‌یابد. مواردی نظیر دغدغه‌مند بودن نسبت به آراستگی ظاهر یا متناسب بودن ظاهر و آهنگ موبایل با مناسبت‌های مختلف و در نظر گرفتن ویژگی‌های انسانی نظیر جذابیت، فریبندگی و هوشمندی برای موبایل دلیلی بر تشخیص بخشی به موبایل از سوی افراد است. در واقع کاربران با هویت بخشیدن یا شخصیت دادن به موبایل سعی دارند تا به‌نوعی آن را جانشین روابط انسانی از دست‌رفته خود در واقعیت کنند؛ زیرا استفاده بیش‌از حد از موبایل علاوه بر ایجاد وابستگی به موبایل و اتلاف وقت فراوان فرصت برقراری روابط با اشخاص جدید یا تحکیم روابط گذشته با

خانواده و نزدیکان را از فرد سلب می‌کند؛ بنابراین فرد با دل بسته و علاقه‌مند کردن خود به موبایل سعی در پر کردن خلأ ناشی از عدم ارتباطات انسانی دارد؛ که البته این تفکر نه تنها فقدان حضور روابط واقعی در زندگی شخص جبران نمی‌کند، بلکه او را تنهاتر و منزوی‌تر خواهد ساخت.

از جمله قابلیت‌های جدید موبایل که باعث وابستگی بیشتر افراد به این وسیله شده است، شبکه‌های اجتماعی موبایلی نظیر اینستاگرام و تلگرام و ... هستند. این شبکه‌ها باهدف گسترش و تسهیل روابط انسانی و بر مبنای هویت‌های مجازی شکل گرفته‌اند. آزادی افراد در ایجاد هویت مجازی موجب شده تا اکثر این هویت‌ها بر مبنای آرمان‌ها و ایده‌آل‌های فرد از خود پایه‌ریزی شوند و در واقع سنخیت چندانی با شخصیت حقیقی فرد نداشته باشند. از طرف دیگر متکثر بودن فضای مجازی باعث می‌شود تا خود مجازی شکل گرفته در آن نیز به شدت سیال و بی‌ثبات باشد؛ بنابراین تفاوت معناداری میان اکثر هویت‌های اغراق‌شده مجازی و شخصیت‌های واقعی دیده می‌شود. شاید این تفاوت در ظاهر بی‌اهمیت جلوه کند اما نتایج پژوهش نشان‌دهنده اثرگذاری عمیق این تفاوت در شیوه نگرش فرد به خود حقیقی‌اش است. این تفاوت می‌تواند موجب دل‌سرد شدن فرد نسبت به موجودیت حقیقی خود شده و او را ترغیب کند تا وقت‌گذاری در دنیای خیالی و خودساخته‌اش در فضای مجازی را به میدان واقعی زندگی ترجیح دهد؛ بنابراین از دید مصاحبه‌شوندگان موبایل می‌تواند در هیبتی مسلط بر انسان نیز ظاهر شود تا حدی که فرد بازتعریف هویت خود در فضای مجازی را به خود حقیقی‌اش برتری دهد.

تسلط بلامنازع موبایل بر انسان‌های امروزی و تبدیل شدن آن به بخشی از زندگی آن‌ها به نوعی یادآور نظریه اپاراتگایست و غلبه روح ماشین است. همانطور که اشاره شد روح ماشین فناوری ارتباطات، «تماس پیوسته» است که فقدانان منجر به هر/اسی فزاینده در زندگی کاربران آن می‌شود. از آنجا که امروزه طیف گسترده‌ای از نیازها توسط موبایل برطرف می‌شود، امکان وابستگی انسان به این وسیله تشدید شده است. به گونه‌ای که از دید بسیاری از افراد همراه نداشتن موبایل برای یک روز غیرممکن به نظر می‌رسد. البته بخشی

از وابستگی دانشجویان دختر به موبایل به علت ایجاد آرامش و امنیت برای آنان در محیط خارج از خانه است؛ اما برخی افراد با انجام رفتارهای وسواس گونه در رابطه با موبایل، از حد وابستگی فراتر می‌روند و شاید بتوان گفت به استفاده مداوم از موبایل و شبکه‌های اجتماعی اعتیاد پیدا می‌کنند. ذهن این افراد پیوسته در پی دریافت اطلاعات جدید از طریق موبایل است و بنابراین در طول روز اضطراب از دست دادن پیام‌ها و تماس‌های جدید هیچ‌گاه فرد را رها نمی‌کند؛ بنابراین بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان گفت موبایل قدرت آن را دارد تا در هیبت سوژه‌ای مقتدر ظاهر شود و انسان‌ها نیز در این میدان نقش ابژه‌هایی تحت سلطه را به‌آسانی پذیرا می‌شوند. در همین راستا هولم و پیترز (2001) نیز اشاره می‌کنند که گم کردن هیچ وسیله شخصی دیگری مانند موبایل، در انسان‌ها ایجاد سراسیمگی نمی‌کند. گم کردن موبایل مردم را به تعبیری عزادار می‌کند. از این نظر از دست دادن موبایل شبیه متلاشی شدن فیزیکی است. گویی که موبایل نیازی بیولوژیک را برطرف می‌کند، موبایل در حال تبدیل شدن به بخشی از بدن ماست و بنابراین از خود ما می‌شود.

مقوله پارادوکس موبایل بخشی دیگر از تصور و ذهنیت مصاحبه‌شوندگان نسبت به موبایل را نمایان می‌سازد. از آنجا که پیامدهای حاصل از موبایل در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها می‌تواند هم مثبت و هم منفی باشد، تصویر شکل گرفته از موبایل در ذهن مصاحبه‌شوندگان نیز متناقض، دوگانه و متضاد و یا به تعبیر گود و میشنا^۱ (2019) شبیه «شمشیر دولبه»^۲ است. به عبارت دیگر مصاحبه‌شوندگان برای بیان تجاربشان از موبایل تنها بر پیامدها و دلالت‌های منفی تأکید نداشتند، بلکه فرصت‌های ایجادشده توسط موبایل نیز در تجارب آن‌ها انعکاس داشت. این موضوع بیانگر برساخت اجتماعی فناوری موبایل و انعطاف‌پذیری تفسیری معنای آن در میان دانشجویان دختر به عنوان یک گروه ناهمگن، با عادات ارتباطی، سبک و شیوهای زندگی متفاوت است. طبیعتاً این معنا لایه‌های مختلفی داشته و به شدت مناقشه برانگیز است. یافته‌های ما بیانگر همپوشانی معنای موبایل با معنای

1. Good, B & Mishna, F

2. Two-edge sword

شبکه‌های اجتماعی نظیر اینستاگرام در نظر دانشجویان بود. به نظر می‌رسد در نظام معنایی دانشجویان دختر معنای موبایل از معنای شبکه‌های اجتماعی نظیر اینستاگرام و تلگرام و ... جدایی‌ناپذیر است لذا زمانی که برخی از دانشجویان از موبایل صحبت می‌کردند، بیشتر به شبکه‌های اجتماعی نظر داشتند تا خود موبایل.

به‌طور خلاصه موبایل در هر دو مقوله سوژگی متقابل و پارادوکس موبایل نقش مهم و قدرتمندی را در ذهنیت و تجارب اکثر مصاحبه‌شوندگان ایفا می‌کند. اهمیت داشتن و تأثیرگذار بودن این وسیله در نحوه نگرش آنان به موبایل غیرقابل‌انکار است. چه هنگامی که شخص با رسیدگی افراطی به‌ظاهر موبایل در پی تشخیص بخشی به آن است و چه هنگامی که در ذهن و گفتار او آثار منفی موبایل برجسته و غالب جلوه می‌کنند، چیرگی آن بر روح و روان فرد به‌روشنی به چشم می‌خورد. اکثر اشخاص در مواجهه با موبایل منفعلانه برخورد می‌کنند و احساس می‌کنند که توانایی مقاومت در برابر این وسیله را ندارند و حتی باوجود مضرات استفاده افراطی از آن، هم‌چنان به استفاده از موبایل ادامه می‌دهند. به همین علت بود که مصاحبه‌شوندگان از شکست خوردن‌های پی‌درپی برای کاهش زمان استفاده از موبایل صحبت می‌کردند.

لازم به ذکر است که از دید دانشجویان علاوه بر ویژگی‌های موبایل، نظیر جذابیت بصری، سهولت استفاده، تنوع کاربردها و کم‌هزینه بودن دلایل اجتماعی و فرهنگی نیز در استفاده افراط گونه از موبایل تأثیر زیادی داشتند. مصاحبه‌شوندگان عنوان کردند که محدودیت‌های اجتماعی موجود در جامعه آنان را به استفاده زیاد از موبایل سوق داده است که این امر تا حدود زیادی با تأکید رویکردهای فمینیستی به فناوری و برخی از پژوهش‌ها (نظیر Igbal, 2010؛ Geser, 2004؛ عابدینی و زمانی، ۱۳۹۱؛ منطقی، ۱۳۸۹) بر تفاوت‌های جنسیتی در استفاده از موبایل و حتی زنانه شدن برخی از کاربردهای آن همسویی دارد. محدودیت‌های یادشده و سایر محدودیت به‌ویژه برای زنان و دختران در عرصه‌های اجتماعی نظیر ضعف زمینه‌های سرگرمی و فراغت در دانشگاه، غیرانگیزشی بودن محیط‌های یادگیری، یاس و ناامیدی دانشجویان دختر نسبت به آینده، بی‌انگیزگی و

بیکاری و غیره سبب شده تا برخی از آن‌ها به استفاده افراطی از موبایل و فضای مجازی روی آورند. استفاده افراطی نیز بالطبع زمینه را برای ایجاد وابستگی به موبایل فراهم می‌سازد و موجب می‌شود تا روزه‌روز تسلط این وسیله بر آنان تثبیت شود. در واقع محدودیت‌ها شرایط را برای ایجاد وابستگی به موبایل و پذیرش آسان‌تر احاطه و تسلط موبایل بر افراد مهیا کرده‌اند. تسلط و چیرگی‌ای که بر اساس مقولات ذکر شده، به وضوح رد پای آن در تجارب دانشجویان به موبایل مشاهده می‌شد.

با به نتایج به دست آمده توجه به روش‌های جامعه‌پذیری و نحوه اهلی سازی^۱ تکنولوژی‌های مدرن مخصوصاً توسط جوانان در بستر زندگی روزمره و افزایش سواد تکنولوژیک و سواد رسانه‌ای و آموزش عمومی و فرهنگ‌سازی در استفاده از موبایل و فضای مجازی پیشنهاد می‌شود. به ویژه به علت پایین آمدن سن استفاده از موبایل و فضای مجازی، آموزش این مسئله در نهاد مدرسه و از سن کم اهمیت می‌یابد. بر مبنای مطالعات صورت گرفته در دانشگاه‌ها (نظیر پژوهش حاضر) می‌توان ساعت‌ها برنامه آموزشی برای افزایش سواد رسانه‌ای اқشار مختلف جامعه تولید کرد، چیزی که جای خالی چنین برنامه‌هایی در رسانه ملی به شدت احساس می‌شود. همچنین به منظور ایمن‌تر شدن این فضا پیشنهاد می‌شود تا قوانینی شفاف و مشخص برای بهره‌گیری از این فضا تدوین شود. وجود قوانینی روشن از ورود هویت‌های جعلی و نامعلوم که امکان گسترش تخلفات غیرقابل پیگیری را افزایش می‌دهند، جلوگیری می‌کند. از طرف دیگر وضع مجازات‌هایی متناسب با تخلفات شکل گرفته در این حوزه می‌تواند در افزایش امنیت این فضا مؤثر باشد. در نهایت از آنجا که پژوهش حاضر بر مبنای مصاحبه با دختران دانشجو انجام شده است، پیشنهاد می‌شود تا با توجه ویژه به فراغت جوانان به ویژه زنان و دختران و کنار گذاشتن نگاه‌های تبعیض آمیز، از گرایش فزاینده آنان برای استفاده نامناسب و سطحی از فضای مجازی پیشگیری شود. از سوی دیگر نیز افزایش تفریحات در جامعه نیز می‌تواند از وقت‌گذرانی‌های بی‌هدف در فضای مجازی جلوگیری کند.

منابع

- ابراهیم پور، مهناز. (۱۳۹۳). «نقش فضای مجازی در ساخت اجتماعی واقعیت؛ وایبر». فصلنامه تخصصی فرهنگ مردم/ایران، شماره ۳۸ و ۳۹. صص ۱۰۲-۷۹.
- افشار کهن، جواد؛ زمانی زهرا. (۱۳۸۸). «جوانان و شکاف دیجیتالی: با تأکید بر جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهر همدان در سال ۱۳۸۸»، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۱۶. صص ۱۱۶-۱۰۲.
- بهمنی، مهرزاد؛ شکیب، عباس. (۱۳۹۴). «سبک‌های نوین ارتباطات انسانی در فضای مجازی؛ فرصت‌ها و تهدیدهای شبکه‌های اجتماعی موبایلی». مجله مطالعات رسانه‌های نوین، سال اول، شماره ۲. صص ۱۴۰-۱۱۹.
- جوادی یگانه، محمدرضا؛ کوثری، مسعود؛ خیرخواه، طاهره. (۱۳۹۱). «تلفن همراه و کارکردهای آن برای کاربران ایرانی با تأکید بر تفاوت‌های جنسیتی». فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی. دوره اول شماره ۲. صص ۵۴-۲۳.
- حریری، نجلا. (۱۳۸۵). اصول و روش‌های پژوهش کیفی. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات
- حسینی، حسین؛ کلانتری، عبدالحسین. (۱۳۹۶). «تحلیل پدیدار شناختی تجربه زیسته کاربران شبکه اجتماعی تصویری اینستاگرام در ایران». مطالعات فرهنگ-ارتباطات. سال هجدهم، شماره ۴۰. صص ۶۳-۳۳.
- ذکایی، محمد سعید؛ نزاکتی، فرزانه. (۱۳۹۷). «سبک زندگی موبیتال در جامعه دانشجویی: فهم تجربه زیسته دانشجویان دانشگاه‌های علامه طباطبائی و صنعتی شریف»، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، سال چهارم، شماره ۱۶، زمستان ۱. صص ۷۴-۴۱.
- ذکایی، محمد سعید؛ وحید؛ ولی زاده. (۱۳۸۸). «فرهنگ جوانان و تلفن همراه». فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۷. صص ۱۵۲-۱۱۹.
- رحیمی، بابک؛ کرمانی، حسین؛ علی، حسینی زهره؛ مشکینی، محمدمهدی. (۱۳۹۵). «رابطه استفاده از تلفن همراه هوشمند و شکاف دیجیتالی در شهر تهران». فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، سال دوم، شماره ۷، پاییز ۱۳. صص ۱۱۸-۸۵.
- روشندل اربطانی، طاهر؛ کاظمی، حسین؛ حاج اسماعیلی، فهیمه. (۱۳۹۳). «عوامل تعیین کننده شکاف دیجیتالی (مطالعه موردی: شهروندان شهر رفسنجان)»، فصلنامه مدیریت دولتی، شماره ۲۰. صص ۷۰۳-۶۸۱.

تحلیل تفسیری معنای تلفن همراه در زندگی دانشجویان دختر...؛ همتی و همکاران | ۲۰۷

صحیابی، فائزه؛ شگری، سحر؛ دائمی، محمد؛ پورزادی، محمد. (۱۳۹۵) «الگوی استفاده از تلفن همراه و ارتباط آن با وضعیت روانی دانشجویان دانشگاه‌های تهران». *مجله علمی سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران*. ۱۳۹۵؛ ۳۴ (۳). صص ۲۴۰-۲۳۳.

فرقانی، محمدمهدی؛ بدیعی، بهار. (۱۳۹۴). «فرایند اهلی سازی تکنولوژی رسانه‌ای: تجربه زیسته جوانان ایرانی در پذیرش تلفن همراه هوشمند». *مجله مطالعات رسانه‌های نوین*، سال اول، شماره ۴. صص ۱۷۸-۱۳۳.

کوثری، مسعود؛ خیرخواه، طاهره. (۱۳۸۷). «تحلیل محتوای پیام‌های کوتاه دانشجویان دانشگاه تهران». *مجله تحقیقات فرهنگی ایران*، شماره ۲. صص ۷۸-۵۷.

کوثری، مسعود؛ جوادی یگانه، محمدرضا؛ خیرخواه، طاهره. (۱۳۹۱) «تلفن همراه و تأثیر آن در ارتباطات میان فردی جوانان دانشجو (مطالعه دانشجویان دانشگاه‌های تهران)»، *مطالعات بین‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ (رسانه و فرهنگ)*، دوره ۲، شماره ۱. صص ۲۸-۱.

عابدینی، یاسمین و زمانی، بی‌بی عشرت (۱۳۹۱) «بررسی انگیزه، میزان و نوع استفاده از تلفن همراه در دانشجویان». *روانشناسی معاصر*، ۷ (۲): ۸۶-۷۳.

مختاری، مریم؛ ملک احمدی، حکیمه. (۱۳۹۶). «پدیدارشناسی تجربه کاربران از موبایلی شدن روابط». *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، دوره نهم، شماره ۲. صص ۱۲۴-۱۰۱

موسوی، کمال‌الدین. (۱۳۹۰). «بررسی نگرش به تلفن همراه در بانوان ساکن تهران (۱۳۸۸)». *مجله مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، شماره ۲۹. صص ۱۰۹-۸۵.

مهدی زاده، شراره؛ خیلا، زهرا. (۱۳۹۲). «تلفن همراه، روابط اجتماعی». *مجله مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، شماره ۳۲. صص ۱۱۷-۹۹.

منطقی، مرتضی (۱۳۸۹) «بررسی چگونگی کاربری دختران و پسران دانشجو از امکانات جانبی تلفن همراه». *فناوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی*، سال اول، شماره دوم. صص ۱۲۸-۹۵

هاشمی، شهناز. (۱۳۹۳) «واکاوی نقش تلفن همراه در تعاملات میان فردی و اجتماعی جوانان». *مجله رسانه*، شماره ۹۴. صص ۱۱۸-۱۰۳.

همتی، رضا. (۱۳۹۷). *مقدمه‌ای بر مطالعات علم*. پژوهشکده مطالعات اجتماعی و فرهنگی وزارت عتف.

Reference

- Ahmed, I., & Qazi, T. F. (2011). "Mobile phone adoption & consumption patterns of university students in Pakistan." *International Journal of Business and Social Science*, 2(9).
- Bellina, L., Missoni, E. (2009). "Mobile cell-phones (M-phones) in Telemicroscopy: Increasing Connectivity of Isolated Laboratories." *Diagnostic Pathology*, (19).
- Chuma, W. (2014). "The social meanings of mobile phones among South Africa' 'ii gitll aativss': a aae ttuuy." *Media, Culture & Society*, 36(3), 398-408.
- Donner, J., Gitau, S., & Marsden, G. (2011). "Exploring mobile-only Internet use: Results of a training study in urban South Africa." *International Journal of Communication*, 5, 574-597. Retrieved from <http://ijoc.org/ojs/index.php/ijoc/article/view/750/543>
- Drago, E. (2015) "The Effect of Technology on Face-to-Face Communication". *The Elon Journal of Undergraduate Research in Communications*, Vol. 6, No. 1.
- Fortunati, L. (2001) "*The Mobile Phone: An Identity the move*". Personal and Ubiquitous Computing. 585-598.
- Geser, H (2004), "*Towards a Sociological Theory of the Mobile Phone, Online Publication, Sociology of Mobile Phone*". http://socio.ch/mobile/t_geser1.htm
- Goggin, G. (2006). *Cell phone culture: Mobile technology in everyday life*. Routledge.
- Goggin, G., & Crawford, K. (2011). "Moveable Types: Youth and the Emergence of Mobile Social Media in Australia". *Media Asia Journal*, 37 (4). <http://www.cs.colorado.edu/%7Eplalen/Papers/cscwPalen.pdf>
- Good, B., & Mishna, F. (2019). "Double-edged sword "of Digital Media Use among Youth in Residential Treatment: Perspectives of Service Providers. *Residential Treatment for Children & Youth*, 1-25.
- Haddon, L. (2003). "*Domestication of Mobile Telephony*. In J. Katz (Ed.), *Machines that become us: The social context of personal communication*" (pp. 43-56). New Brunswick, NJ: Transaction.
- Hulme, M. and Peters S. (2001), "*Me, my phone and I: the role of the mobile phone*," Retrieved from: http://www.cs.colorado.edu/~palen/chi_workshop/papers/HulmePeters.pdf (accessed 21 November 2004).
- Igbal, Z. (2010). "Gender differences in mobile phone use: What communication motives does it gratify?" *European Journal of Scientific Research*, 46, 510-522.
- Katz, James E.; Aakhus, Mark A. (2002). "*Conclusion: Making meaning of mobiles – a theory of Apparategeist*". *Perpetual Contact*. pp. 301-318.
- Misra, M., Cheng, L., Genevie, J. and Yuan, M. (2014). *The iPhone Effect: The Quality of In-Person Social Interactions in the Presence of*

- Mobile Devices*, Sage Publications.
- Oksman, V. and Turtiainen, J. (2004). *Mobile communication as a social stage: Meanings of mobile communication in everyday life among teenagers in Finland*, New Media and Society, Sage Publications.
- Pain, R., Grandy, S., Gil sally, Towner, Elizabeth et al (2005). "So long as I talk my mobile, mobile phones, urban life and geographies of young people safety, ". *International journal of urban and regional research*.
- Rogers, E.M. (2003). *Diffusion of innovations* (5th ed.). New York, NY: Free Press.
- Singleton, C. and Green, E. E. (2007) "Mobile selves: gender, ethnicity and mobile phones in the everyday lives of young Pakistani-British women and men", *Information Communication & Society*, 10 (4), pp. 506-526.
- Smith, J. (1992). *"Interpretive inquiry: A practical and moral activity"*. Theory into Practice, No 31.
- Stenson, M., & Donner, J. (2009). "Beyond the personal and private: Modes of mobile phone sharing in urban India." *The reconstruction of space and time: Mobile communication practices*, 1, 231-250.
- Trouch, A. (2004). *"Exploring the implications for Social identity of the New Sociology of the Mobile phone-uk"*: Centre for the study of mobile technology and culture.
- Walsh, Shari P., White, Katherine M. and Young, Ross McD. (2009) "The phone connection: A qualitative exploration of how belongingness and social identification relate to mobile phone use amongst Australian youth" *Journal of Community & Applied Social Psychology*, 19 (3). pp. 225-240.
- Wei, R. (2006). "Lifestyles and new media: Adoption and use of wireless communication technologies in China." *New Media & Society*, 8(6), 991-1008.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

استناد به این مقاله: همتی، رضا، آقابابایی، احسان، اسماعیلی، فائقه. (۱۴۰۱). تحلیل تفسیری معنای تلفن همراه در زندگی دانشجویان دختر دانشگاه اصفهان، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، ۸(۳۱)، ۱۷۳-۲۰۹.

DOI: 10.22054/nms.2022.57174.1097



New Media Studies is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License..



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی